

تبیین جایگاه «تقوا» در میان ارزشهای متعالی دین اسلام

چکیده

دغدغه دستیابی به معنا و ماهیت زندگی و در پی آن تفهیم معنای زندگی، یکی از اساسی ترین دغدغه های اصیل همه انسانها در طول تاریخ بوده است. پرسش از معنای زندگی، یکی از پرسش های اساسی و بنیادینی است که در هر دوره ای از تفکر بشری به نحوی مطرح شده و پاسخ های مختلفی به آن داده شده است. در این مقاله با مراجعه به قرآن کریم به عنوان اصلی ترین منبعی که می تواند زندگی را برای همه انسانها معنا کند، به شناسایی مهمترین ارزش مطرح شده برای انسانها پرداخته شده و تلاش گردیده با تبیین تمامی ابعاد و زوایای آن، مفهومی کلی و جامع از ارزشهای متعالی دین اسلام نمایش داده شود. از آنجا که خداوند متعال «تقوا» را مهمترین ارزش انسانی معرفی نموده و فرموده است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)، لذا در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا، به بررسی مفهوم تقوا در قرآن کریم و تبیین جایگاه آن در میان دیگر ارزشهای متعالی دین اسلام پرداخته ایم. یافته های تحقیق نشان می دهد که تقوا، یکی از مهمترین ارزشهای متعالی دین اسلام بوده که خداوند متعال ضمن معرفی مصداقی آن، ابعاد، ارکان، گونه ها، جایگاه و کارکردهای آن را نیز در قرآن کریم تبیین نموده است.

کلیدواژگان:

قرآن کریم، ارزشهای متعالی دین اسلام، معنای زندگی، تقوا، متقین

The Holy Quran, Transcendent Values of Islam, Meaning of Life, Virtue, Believers

مقدمه

بی شک یکی از بهترین و معتبرترین راهکارها برای ترسیم معنای زندگی، مراجعه به قرآن کریم به عنوان کتاب راهنمای بشریت و هدایتگر سعادت است که در دو بُعد دنیوی و اخروی دستورالعمل هایی را برای هدایت انسان بیان نموده است. در خصوص مواجهه با قرآن کریم و آیات متعدد آن نیز به نظر می رسد بهترین راهکار جهت کشف و استخراج مؤلفه های ارزشی آن، بررسی تمامی آیات و توجه به مهمترین مؤلفه هایی باشد که در این کتاب آسمانی بیان شده است. قرآن کریم در آیات متعددی به جایگاه و اهمیت «تقوا» به عنوان یکی از ویژگی های مثبت جامعه اسلامی اشاره کرده و بدین ترتیب یکی از مؤلفه های انسان مؤمن که مورد محبت خداوند قرار گرفته و نوع زندگانی او الهی و تأیید شده است را ترسیم نموده است. تقوا به عنوان یکی از اصطلاحات کلیدی در قرآن کریم، در حوزه علوم اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

تقوادر اصل از ماده وقایه به معنی نگهداری یا خویشتن داری است و به تعبیر دیگر یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می کند، و در واقع نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را در پرتگاه ها حفظ و از تندروی های خطرناک، باز می دارد. به همین دلیل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) تقوا را به عنوان یک دژ نیرومند در برابر خطرات گناه شمرده است، آنجا که می فرماید: «اعلموا عباد الله ان التقوی دار حصن عزیز؛ بدانید ای بندگان خدا تقوا دژی است مستحکم و غیر قابل نفوذ. آن حضرت (ع) در کلامی دیگر می فرماید: «الا و ان التقوی مطایبا ذلل، حمل علیها اهلها و اعطوا ازمتها، فاوردتهم الجنة»؛ تقوا همچون مرکبی است راهوار که صاحبش بر آن سوار است و زمامش در دست او است و تا دل بهشت او راه پیش می برد.

در احادیث اسلامی و همچنین کلمات دانشمندان نیز تشبیهات فراوانی برای تجسم حالت تقوا بیان شده است. اما باید گفت تقوا به این نیست که انسان انزوا و گوشه گیری انتخاب کند، بلکه باید در دل اجتماع باشد و اگر اجتماع آلوده بوده خود را حفظ کند. در هر صورت این حالت تقوا و کنترل نیرومند معنوی، روشنترین آثار ایمان به مبدا و معاد یعنی خدا و رستخیز است و معیار فضیلت و افتخار انسان و مقیاس سنجش شخصیت او در اسلام محسوب می شود تا آنجا که عبارت «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۴) به صورت یک شعار جاودانی اسلام درآمده است.

تقوا در اصطلاح شرعی به معنای نگه داری نفس از چیزی است که موجب گناه می شود و گرفتار خشم و غضب الهی می گردد. برای دستیابی به مقام تقوا و رهایی از خشم الهی شخص می بایست از هر آنچه خداوند از آن بازداشته است پرهیز کرده و به هرچه فرمان داده انجام دهد. بنابراین تعریف تقوا به ترک و پرهیز از آن چه نهی کرده و بازداشته است، تعریف جامعی نیست؛ چنان که ترجمه آن به پرهیز و پرهیزگاری بیانگر معنا و مفهوم قرآنی آن نمی باشد.

اگرچه حتی در این تعریف پرهیزگاری را به معنای ترک برخی مباحات نیز معنا کرده و ترک آن را کمال تقوا قرار دهیم؛ زیرا تقوا درحقیقت، چیزی جز حرکت در راه راست و صراط مستقیم نیست که این راه دربردارنده همه آن چیزی است که ما از آن به دین یاد می کنیم؛ از این رو می توان تقوا را در اصطلاح و فرهنگ قرآنی به معنای عمل به دین دانست و یا پا از این فراتر نهاد و تقوا را به معنای دین داری در حوزه ایمان و عمل دانست.

بنابراین می توان گفت که در مفهوم قرآنی تقوا در همان معنای دین داری به کار رفته است و متقی همان دین دار است که در حوزه های مختلف خود را به اشکال گوناگونی نشان می دهد. اگر تقوا را همان دین داری معنا کنیم، می توان همان آثار و کارکردهایی که برای دین داری در همه حوزه ها برشمرده می شود، برای تقوا نیز بیان کرد.

در این میان برخی از محققین تقوا را در اصطلاح شرع به معنای خوف و ترس استعمال کرده‌اند، که به نظر می‌رسد در خصوص مفهوم اصطلاحی تقوا دچار اشتباه شده‌اند، زیرا با توجه به مجموع آیات و روایات وارده، تقوا به این معنا صحیح نیست، جز آن که معنای لازمی آن را در نظر داشته باشیم.

به عنوان نمونه در قرآن می‌خوانیم: «كُنْتُ عَلَيْكُمْ الصَّيِّمِ كَمَا كُنْتُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». آیت الله فاضل لنکرانی در این خصوص می‌نویسد: «اگر تقوا به معنای خوف و ترس باشد، مگر روزه داری در انسان خوف ایجاد می‌کند؟ و چه تناسبی بین خوف و روزه می‌باشد. در حالی که اگر تقوا به معنای خود نگه داری و تحفظ باشد (که هست)، بین تحفظ و روزه داری ارتباط مستقیم وجود دارد؛ زیرا روزه کلاس تمرین برای تحفظ و خود نگه داری است»

همچنین در خصوص آیه «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»، روشن است که اگر تقوا را به معنای خوف بگیریم، آیه معنا و مفهومی پیدا نخواهد کرد، ولی اگر تقوا را به معنای تحفظ و خود نگه داری بگیریم، آیه منظوری روشن و هدفی مشخص خواهد داشت و از آن جا که تقریب به خداوند برترین هدفی است که عالمان و همه مؤمنان طالب آن هستند و خداوند رحمان و رحیم است و واجد همه صفات کمال است، نمی‌توان از تقوای او تعبیر به ترس کرد. بنابراین اگر ترسی در دل بندگان هست، مربوط به سوء عمل خود آنهاست، پس انسان با تقوا، همواره از این که تحت تاثیر نفس اماره خود قرار گیرد، باید خائف و بیمناک باشد.

۱. معرفی روش تحقیق

در این تحقیق از روش «تحلیل محتوا»^۱ برای تبیین جایگاه ارزشمند تقوا در میان ارزشهای متعالی دین اسلام استفاده شده است. روش «تحلیل محتوا» روشی علمی برای تفسیر «متن» است و از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی و به خصوص در رابطه با زیر رشته‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد داشته و به علت این که نتایج به دست آمده از طریق این روش، دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشند، بسیار مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. در ذیل به صورت مختصر اطلاعاتی در رابطه با این روش بیان می‌شود.

با رشد جوامع انسانی و توسعه علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش‌های تحقیق اولیه در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برده و با تأمل بسیار روش‌های نوینی را ابداع کرد تا بتواند در عرصه پژوهش‌های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشد.

یکی از مهمترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها (اطلاعات) که با توجه به موضوع، شرایط و هدف این تحقیق کاربرد بیشتری برای محققان داشته است، روش تحلیل محتوا می‌باشد.

لورنس به اردن در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹).

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها کاملاً نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می‌باشد.

تحلیل محتوای متن تاریخیچه بسیار قدیمی دارد. با استفاده از این روش برای اولین بار کتب و متون مذهبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. در سال ۱۹۵۵م مجموعه اشعار شاعری ناشناس تحت عنوان سرودهای صهیون مورد بررسی قرار می‌گیرد چرا که از سانسور دولتی مصون بوده و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می‌شود. اهمیت این تحلیل بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضمون این اشعار است (باردن، ۱۳۷۵، ص ۹).

لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سوال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تاثیری؟ می‌گوید». (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲).

۲. اهمیت تقوا در نظام معارف اسلامی

در غالب منابع، تعریف تقوا با عدالت پیوند خورده است. بسیاری از عالمان متقدم از مذاهب گوناگون اسلامی عدالت را عبارت از کیفیت راسخ نفسانی دانسته‌اند که فرد متصف به آن را به ملازمت تقوا و مروت برمی‌انگیزد. در تعاریف متأخر گاه قید مروت حذف شده و بدین ترتیب نوعی ملازمت مستقیم بین تقوا و عدالت برقرار شده است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۴۸۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۱۵؛ ابن نجیم، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۵؛ ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۴۳).

برخی نیز با این توضیح که عدالت با ارتکاب کبائر زایل می‌شود، به نوعی تضاد ارتکاب کبائر با ملازمت تقوا را نشان داده و گاه نیز مستقیماً به تعریف تقوا پرداخته‌اند (مثلاً نک: علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۵۶).

مهمترین تعاریف ارائه شده برای این واژه کلیدی در قرآن کریم عبارت است از:

۱- اجتناب از گناهان کبیره و صغیره از مکلف کامل العقل که افرادی همچون: شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، ابن براج و ابن ادریس حلی قائل به این قول هستند. (رک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰۴، ابن ادریس حلی، بی تا، ص ۸۴)

1. Content Analysis

2. Text

- ۲- اجتناب تمامی گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره و غالب نبودن آن بر اعمال فرد. که افرادی همچون شیخ طوسی، شهید اول، محقق کرکی و امام خمینی قائل به آن هستند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۲۱۷؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۴۲۱؛ شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۲۵؛ کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۷۲؛ خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، صص ۱۰ و ۲۷۴).
- ۳- فقط اجتناب از گناهان کبیره. برخی از علما، با تکیه بر اینکه اصرار بر صغیره خود در زمره گناهان کبیره است و ارتکاب صغیره بدون اصرار در تقوا بی اثر است، تقوا را به اجتناب از گناهان کبیره محدود کرده اند (صاحب جواهر، ۱۳۹۴ق، ج ۱۵، ص ۳۹۲). بر این پایه تقوا در تضاد با فسق قرار می گیرد، تقابلی که در برخی اشارات متأخران چون شیخ انصاری دیده می شود (شیخ انصاری، ۱۳۰۹ق، ج ۲، ص ۴۰۶).
- ۴- اجتناب از همه منهیات و انجام دادن همه مأمورات. در کلام عالمان متأخر که بر ارزشهای اخلاقی تأکید بیشتری داشته اند، می توان با تعریف هایی از تقوا مواجه شد که فرقی میان گناهان نهاده اند. از جمله، از عالمان امامی مقدس اردبیلی است که تقوا را به اجتناب از همه منهیات و انجام دادن همه مأمورات تعریف کرده (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۸، ص ۸۸) و از عالمان شافعی، دمیاطی آن را به طور عام امتثال اوامر خدا و اجتناب از نواهی او، در ظاهر و باطن دانسته است (دمیاطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۸).
- ۵- ارائه مفهومی مشکک و دارای درجات. برخی از عالمان نیز پرهیز از شرک را پایین ترین درجه تقوا، پرهیز از هر گناه را تقوای میانه و سرسپردگی به خداوند و پرهیز از هر آنچه انسان را از حق مشغول می دارد را تقوای حقیقی یا والاترین درجه آن دانسته اند (عبد الوهاب، ۱۳۸۲ق، ص ۲۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۶۰؛ ابوالسعود، بی تا، ج ۱، ص ۲۸).
- در این میان برخی از عالمان، نه تنها تقوا، که حتی ورع را نیز به ترک محرّمات بازگردانده اند؛ از جمله محیی الدین نووی که ورع را همان تقوا دانسته و هر دو را به اجتناب از ظلم بازگردانده است (نووی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۱۶۸).
- البته در نزد برخی از فقیهان متأخر با گرایش اخلاقی، قسم سوم از تقوا با تقریر «اجتناب از شبهات» نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مقدس اردبیلی، تقوا را فراتر از ترک محرّمات (ناظر به قسم دوم)، شامل اجتناب از «مشتبهات» (ناظر به قسم سوم) دانسته (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۷۱) و تحدید تقوا به مراتب دوگانه را نقد کرده است (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۹).
- همچنین تعریفات مشابه دیگری را نیز می توان در آثار برخی عالمان پسین امامیه و اهل سنت باز یافت (نک: ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۶۰۰؛ صاحب جواهر، ۱۳۹۴ق، ج ۱۳، ص ۳۶۷).

۳. تحلیل محتوای مقوله «تقوا» در قرآن کریم

به منظور انجام این تحقیق، پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، فن «تحلیل محتوای مضمونی» بر مبنای واحد «آیات» انتخاب و جداول تحلیل محتوا بر این اساس تشکیل و سپس مفاهیم، جهت گیری ها و نقش هدایتی هر کدام از آیات استخراج شده است. به عبارت دیگر ابتدا با نگاه تفسیری به هر آیه، گزاره مفهومی و جهت گیری آن استخراج و سپس جایگاه و نقش آن مفهوم درج گردیده است. لازم به ذکر است که جهت استخراج گزاره های مفهومی آیات، به تفاسیر متعددی مراجعه و عناوین بر مبنای آنها استخراج شده است. نهایت اینکه فرایند روش انجام این تحقیق به شرح ذیل می باشد:

۱. استخراج آیات مشتمل بر کلیدواژه تقوا در کل قرآن کریم
۲. استخراج مفاهیم اصلی هر آیه بر اساس مراجعه به تفاسیر مختلف.
۳. استخراج جهت گیری اصلی هر آیه
۴. دسته بندی موضوعی و مفهومی آیات
۵. مقوله بندی مضامین و موضوعات اصلی آیات.
۶. مدل سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.

در حقیقت این امور ۶ گانه، روش تحقیق و عملکرد محققان در این گونه پژوهش ها را نشان می دهد که در ابتدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق به صورت اجمالی مشخص شده و در طول تحقیق نیز به صورت تفصیلی، تبیین شده است. در ذیل بخش مختصری از جدول تحلیل محتوای آیات تقوا جهت آشنایی با روش و روند تحقیق درج شده است:

جدول ۱. جدول تحلیل محتوای آیات تقوا

بقره	۲	ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)	توصیف	ویژگی	هدایت
بقره	۲۱	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱)	توصیه	مقدمات	عبادت
بقره	۲۴	فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)	توصیه	نتیجه منفی	عذاب جهنم
بقره	۴۱	وَ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَ لَا تَسْتَرْوْا بِآيَاتِي ثَمَّناً قَلِيلاً وَ إِيَّايَ فَاتَّقُونَ (۴۱)	توصیه	مقدمات	ایمان به خدا

بقره	۴۸	وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۸)	توصیه	مقدمات	ایمان به معاد
بقره	۶۳	وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۶۳)	توصیه	مقدمات	استقامت در راه دین
بقره	۶۶	فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (۶۶)	تبیین	مقدمات	توجه به دستورات الهی
بقره	۱۰۳	وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمُتُّوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۳)	تبیین	مقدمات	ایمان به خدا
			نتیجه مثبت	پاداش الهی	
بقره	۱۲۳	وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۱۲۳)	توصیه	مقدمات	معاد

از آنجا که این جدول بسیار طولانی است، لذا فقط به ذکر یک قسمت مختصر اکتفا شده و در ادامه یافته های تحقیق در بخش تحلیل کیفی ارائه گردیده است.

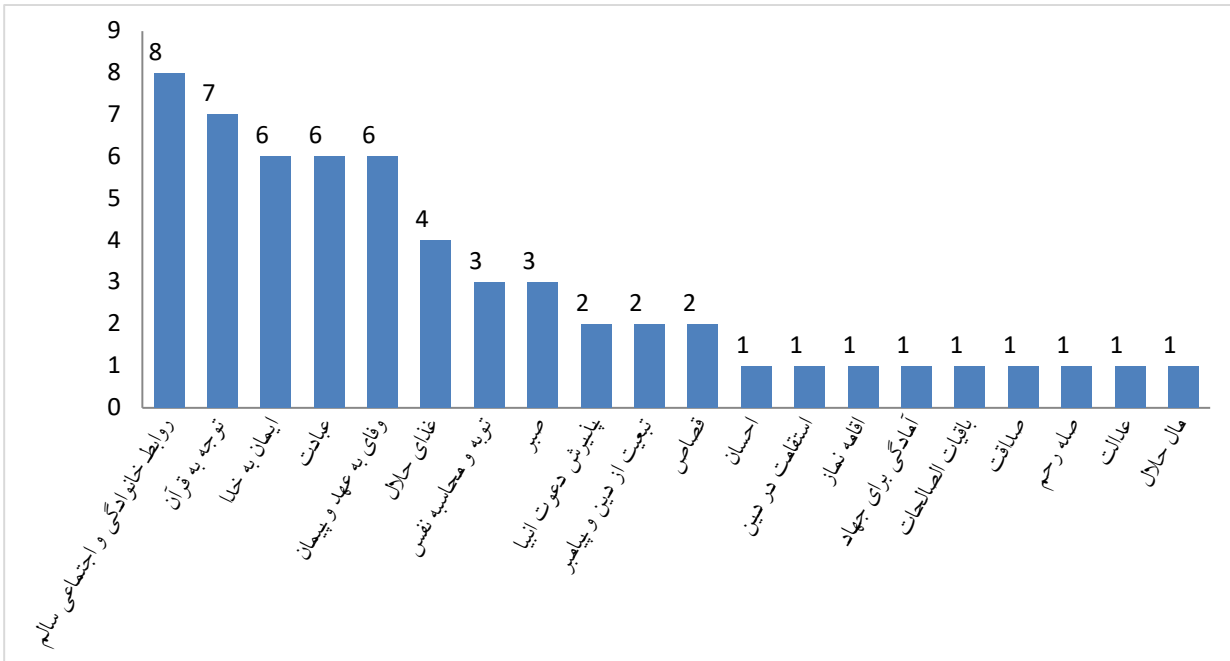
۴. مقدمات نیل به تقوا از منظر قرآن کریم

بر اساس آنچه از تحلیل محتوای مضمونی آیات متضمن واژه تقوا استخراج گردید، برخی از موارد در قرآن کریم به عنوان مقدمات تقوا شناخته شده اند که عبارت از موارد ذیل می باشند:

- ایمان به خدا (بقره: ۴۱ - بقره: ۱۰۳ - آل عمران: ۱۷۹ - مائده: ۱۱۲ - اعراف: ۶۵ - یونس: ۳۱)
- توجه به قرآن و آیات الهی (بقره: ۴۱ - بقره: ۶۳ - بقره: ۶۶ - آل عمران: ۵۰ - آل عمران: ۱۳۸ - نور: ۳۴ - انعام: ۱۵۵ - اعراف: ۱۷۱ - یونس: ۶)
- استقامت در دین (بقره: ۶۳ - نساء: ۷۷)
- عبادت: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۳ - بقره: ۱۹۶ - بقره: ۲۰۳ - بقره: ۲۲۳ - آل عمران: ۲۱ - انعام: ۷۲)
- برخی عبادات خاص (روزه): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ احسان: «وَأِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا»
- اصلاح گری: «وَأِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» / وَلكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَبْصَارِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۱۶۹ - بقره: ۱۷۹ - نساء: ۱۲۹)
- عدالت: اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مائده: ۸)
- عفو و بخشش: وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (بقره: ۲۳۷)
- تذکر: خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
- طلب هدایت: وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ
- وحدت: وَأَنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (انعام: ۱۵۳)
- داشتن روابط اجتماعی و خانوادگی سالم: أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثَ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ ... وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا ... وَلَا تَبَاشَرُواهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۷ - بقره: ۲۳۱ - بقره: ۲۳۲ - بقره: ۲۳۷ - نساء: ۹ - نساء: ۱۲۸ - طلاق: ۲)
- معاملات اسلامی (بقره: ۲۸۲ - بقره: ۲۸۳)
- وفای به عهد و پیمان (آل عمران: ۷۶ - مائده: ۷ - انفال: ۵۶ - توبه: ۴ - توبه: ۷ - فتح: ۱۰)
- کسب مال حلال (مائده: ۴ - مائده: ۸۶ - مائده: ۹۶ - مائده: ۱۰۰ - انفال: ۶۹)

به نظر می رسد مواردی که به عنوان مقدمات تقوا در قرآن کریم بیان شده، همگی در راستای تبیین معنای زندگی انسان بوده و مؤلفه های یک زندگی اسلامی را تشکیل می دهد. نگاهی به نمودار ذیل که در آن سنجش فراوانی هر کدام از موارد فوق نیز لحاظ شده بیانگر آن است که در زندگی یک انسان مؤمن چه مقدماتی برای نیل به مقام تقوا دارای اهمیت می باشد:

نمودار ۱: مقدمات کسب تقوا در قرآن کریم



۵. ویژگیهای متقین از منظر قرآن کریم

تحلیل محتوای آیات تقوا در قرآن کریم، بیانگر ویژگی های متعددی برای متقین است که برخی از آنها عبارتند از:

- خواص جامعه بودن: وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ
 - ایمان به غیب: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (جهانبینی الهی و اعتقادی)
 - اقامه نماز: وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ : (برقراری رابطه با خالق)
 - انفاق: وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (رابطه با مردم و جامعه اسلامی)
 - ایمان به انبیاء: وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ (رابطه با راهنمایان و واسطه های فیض)
 - ایمان به رستاخیز: وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ
 - برخورداری از هدایت هادیان: أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (وصول به فلاح و رستگاری)
 - اهل دعا و طلب غفران همیشگی: الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا عَاطِمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ
 - برخوردار از رحمت خاصه الهی: وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَلْتُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ
 - اهل عبادت: الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَتَاتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ
- این موارد که به طور مستمر و دائمی در متقین وجود دارد، هر کدام دارای کارکردهای مختلفی می باشند. به عنوان مثال ایمان به جهان ماوراء و غیب، نخستین نقطه جدائی مؤمنان از کافران است و روشن می شود که غیب در اینجا دارای همان مفهوم وسیع کلمه می باشد. در بعضی از روایات اهل بیت (علیهم السلام) غیب در آیه فوق تفسیر به امام غائب حضرت مهدی (سلام الله علیه) شده که به عقیده شیعیان هم اکنون زنده است و از دیده ها پنهان می باشد.
- نماز نیز رمز ارتباط با خداوند است و مؤمنانی را که به جهان ماوراء طبیعت راه یافته اند، در یک رابطه دائمی و همیشگی با آن مبدأ بزرگ آفرینش نگاه می دارد. آنها تنها در برابر خداوند سر تعظیم خم می کنند، و تنها تسلیم آفریننده بزرگ جهان هستی هستند، و به همین دلیل دیگر خضوع در برابر بتها، و یا تسلیم شدن در برابر جباران و ستمگران در برنامه آنها وجود نخواهد داشت .
- همچنین قرآن می گوید متقین از آنچه به آنها روزی داده ایم، به دیگران انفاق می کنند و به این ترتیب مسئله انفاق را آنچنان تعمیم می دهد که تمام مواهب مادی و معنوی را دربر می گیرد. به عبارت دیگر مفهوم این عبارت آن است که از علوم و دانشهایی که به آنها تعلیم داده ایم، نشر می دهند، و به نیازمندان می آموزند.
- ادیان آسمانی نیز با توجه به وحدت اصولی آنها، وسیله ای برای ارتباط و پیوند میان انسانها می باشند و متقین کسانی هستند که به آنچه بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده و آنچه پیش از پیامبر نازل گردیده، ایمان دارند. ایمان به قیامت، انسان را در برابر گناه کنترل می کند و به تعبیر دیگر گناهان ما با ایمان به خدا و آخرت نسبت معکوس دارند، به هر نسبت که ایمان قویتر باشد گناه کمتر است. (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۷)

۶. کارکردهای دنیوی تقوا در زندگی انسان

بخش دیگر از نتایج تحلیل محتوای مقوله تقوا در قرآن کریم، بیانگر کارکردهای این ارزش متعالی در دنیا و آخرت برای انسانهاست. از آنجا که این بخش از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد، لذا در دو بخش کارکردهای دنیوی و کارکردهای اخروی تقسیم شده اند. کارکردهای دنیوی تقوا در زندگی انسانها عبارت است از:

- آسان شدن امور انسان: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»، «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنِيسِرُهُ لِلْيُسْرَى»
 - مصون ماندن از آسیب‌رسانی شیاطین، کافرین و بیماردلان: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»، «وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا لَآ يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا»، «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»
 - دستیابی به برکت‌های آسمان و زمین: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 - کسب قابلیت در تشخیص حق و باطل: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ»، «وَإِنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»
 - خروج از تنگناها و مشکلات: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»، «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ لِّلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُزِيلِينَ . بَلَىٰ إِنْ تَصَبَّرُوا وَاتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»
 - دوستی با اولیاء الهی و پرهیز از دشمنی و عداوت: «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»، «وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ»، «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»، «كُتِبَ عَلَيْكُم إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِّوَالِدَيْهِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»، «وَاللَّمْطَلَقَاتُ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»
 - رعایت ادب و احترام در زندگی اجتماعی: «إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَسْوَأَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى»
 - دستیابی به علم و معرفت: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ»، «ذَلِكِ الْكِتَابُ لَآ رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»
 - فرج و گشایش در امور دنیوی: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا / وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ
 - بصیرت: إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا / يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ
 - همسران نیکو: وَ أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ
 - برخورداری از حمایت الهی: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» / «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»
 - نیکی در دنیا و آخرت: «وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنَعَمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ»
 - کسب علم: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ»
 - نجات از گناه و شیطان: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»
 - برخورداری از امداد خاص: بَلَىٰ إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ
 - برخورداری از رحمت الهی: «اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» / بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بَعْثَهُ وَ اتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ
 - احساس آرامش درونی: وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا
 - فرج و گشایش در امور: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنِيسِرُهُ لِلْيُسْرَى
 - کسب پاداش بزرگ: وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ
 - اصلاح اعمال: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ
 - رسیدن به مقام امین: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ
 - برخورداری از عنایت مستقیم خداوند: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»، «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»، «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ»
- باید توجه داشت که کمک و عنایت خداوند به بندگان به دو صورت تقسیم می شود: ۲- عام؛ که شامل همه مخلوقات می شود و با سمع و بصر و علم خداوند است. ۲- خاص؛ که تنها شامل تقوای پیشگان شده و منظور همان نصرت و تایید و عنایت ویژه است. چنانکه در آیات دیگری نیز آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ»
- مسئله قرآن برای هدایت همه جهانیان نازل شده است، ولیکن بر مبنای برخی آیات آن، اینگونه برداشت می شود که هدایت قرآن مخصوص پرهیزکاران معرفی گردیده است. به نظر می رسد علت این امر، آن باشد که تا مرحله ای از تقوا در وجود انسان نباشد، همانند مرحله تسلیم در مقابل حق و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است، محال است انسان از هدایت کتابهای آسمانی و دعوت انبیاء بهره بگیرد.
- به تعبیر دیگر افراد فاقد ایمان دو گروه هستند: گروهی که در جستجوی حق بوده و این مقدار از تقوا در دل آنها وجود دارد که هر جا حق را ببینند، پذیرا می شوند. گروه دیگری افراد لجوج و متعصب و هواپرستی هستند که نه تنها در جستجوی حق

نیستند، بلکه هر جا آن را بیابند برای خاموش کردنش تلاش می کنند. مسلماً قرآن کریم و هر کتاب آسمانی دیگر تنها به حال گروه اول مفید بوده و هست و گروه دوم از هدایت آن بهره ای نخواهند گرفت.

۷. کارکردهای اخروی تقوا در زندگی انسان

بر مبنای آنچه در قرآن کریم در خصوص آثار و فواید تقوا بیان شده، می توان موارد ذیل را به عنوان کارکردهای تقوا در زندگی اخروی انسان ها برشمرد:

۷-۱. معرفی ارزش حقیقی انسان

بدون شک هر انسانی فطرتاً خواهان این است که موجود با ارزش و پر افتخاری باشد، و به همین دلیل با تمام وجودش برای کسب ارزشها تلاش می کند، ولی شناخت معیار ارزش با تفاوت فرهنگ ها کاملاً متفاوت است و گاه ارزشهای کاذب جای ارزشهای راستین را می گیرد. قرآن کریم در این خصوص می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) لذا باید دانست که برای تقرب به خدا و نزدیکی به ساحت مقدس او هیچ امتیازی جز تقوا مؤثر نیست و از آنجا که تقوا یک صفت روحانی و باطنی است که قبل از هر چیز باید در قلب و جان انسان مستقر شود، و ممکن است مدعیان بسیار داشته باشد و متصفان کم، لذا در انتهای آیه آمده است: «ان الله علیم خبیر»؛ خداوند دانا و آگاه است. خداوند پرهیزگاران را به خوبی می شناسد، و از درجه تقوا و خلوص نیت و پاکی و صفای آنها آگاه است و آنها را بر طبق علم خود گرامی می دارد و پاداش می دهد و مدعیان دروغین را نیز می شناسد و کیفر می دهد.

۷-۲. عامل موفقیت و رستگاری

قرآن کریم در عبارتی می فرماید: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور: ۵۲)؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از پروردگار بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد آنها رستگارانند. همچنین در آیات دیگری آمده است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا». آیات مورد بحث نشان می دهد که رستگاران واقعی، متقین می باشند.

همچنین در آیه دیگری، مجدداً حقیقت را به صورت کلی تر تعقیب کرده می فرماید: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب: ۷۱). فوز، به معنی پیروزی و رسیدن به کار خیر توأم با سلامت است، فلاح نیز در اصل به معنی شکافتن می باشد و از آنجائی که افراد پیروزمند موانع را برطرف می سازند و مسیر خود را برای رسیدن به مقصد می شکافند و پیش می روند، فلاح در معنی پیروزی به کار رفته است. و از آنجا که در آیه اخیر سخن از اطاعت به طور مطلق است و در آیه قبل از تسلیم در برابر دآوری خدا که یکی عام است و دیگری خاص، نتیجه هر دو نیز باید یکی باشد.

۷-۳. نجات از عذاب و محنت

قرآن کریم می فرماید: «وَإِنْ مَنَّكُمْ إِلَّا وَآرَدَهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا. ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا (مریم: ۷۲-۷۱)؛ و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می شوید این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت. سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم و ظالمان را - در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده اند - در آن رها می سازیم. همچنین در آیه دیگری آمده است: «وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى» (لیل: ۱۷)؛ و بیزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می شود. آیات متعدد دیگری نیز بر این مطلب تأکید می کنند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (یونس: ۶۲-۶۴)؛ آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند. همانها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند. در آیه دیگری آمده است که تنها گروه نجات یافته از عذاب و محنت، تقواست: «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا».

۷-۴. موجب قبولی اعمال

قال تعالی: «وَإِذْ قُلْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا اسْمِعُوا مَوْلَاهُمْ وَرَكِبُوا الْفَرَسَ الْإِنشَاءَ الَّذِي خَلَقْنَا لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعَ كَثِيرَةً وَلَكُمْ فِيهَا آيَاتٌ لَكُمْ تَذَكَّرُونَ» (مائدة: ۲۷)؛ و داستان دو فرزند آدم بالحقّ إذ قَرَبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائدة: ۲۷)؛ و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد. همچنین در آیه دیگری آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ» (حدید: ۲۸)؛ ای کسانی که ایمان آوردهاید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است.

۷-۵. وصول به سعادت و بهشت

خداوند متعال می فرماید که بهشت تنها به متقین ارث داده می شود: «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا» (مریم: ۶۳). همچنین در آیه دیگری خداوند متعال می فرماید: «لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ عَرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرْفٌ مَّبْنِيَةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلَفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ» (زمر: ۲۰)؛ ولی آنها که تقوی الهی پیشه کردند، غرفههایی در بهشت دارند که بر فراز آنها غرفههای دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلف نمی کند.

وصول به سعادت و بهشت یکی از مهمترین نتایج تقوا در قرآن کریم دانسته شده است: «لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا» و «وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْكِتَابِ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخْلَانَاْهُمْ جَنَّاتٍ»: همچنین در آیات دیگری نیز بر این مطلب تأکید شده:

- «وَ سَارِعُوْا اِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْاَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِيْنَ» (آل عمران: ۱۳۳)؛ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است.
- «وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْكِتَابِ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخْلَانَاْهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيْمِ» (مائده: ۶۵)؛ و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می بخشیم و آنها را در باغهای پر نعمت بهشت، وارد می سازیم.
- «جَنَّاتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُوْنَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُوْنَ كَذٰلِكَ يَجْزِي اللهُ الْمُتَّقِيْنَ» (نحل: ۳۱)؛ باغهایی از بهشت جاویدان است که همگی وارد آن می شوند نهرها از زیر درختانش می گذرد هر چه بخواهند در آنجا هست خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می دهد.
- «اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِي مَقَامٍ اَمِيْنٍ فِي جَنَّاتٍ وَ عُوْنٍ يَلْبَسُوْنَ مِنْ سُنْدُسٍ وَّ اِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِيْنَ كَذٰلِكَ وَرَوَّجْنَاهُمْ بِحُوْرٍ عِيْنٍ دُخُوْنٍ فِيهَا يَكُلُ فَاكِهَةً اَمِيْنًا لَا يَذُوْقُوْنَ فِيهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ الْاُولٰى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ فُضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ» (دخان: ۵۱-۵۷)؛ پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند، در میان باغها و چشمهها، آنها لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند، اینچنینانند بهشتیان و آنها را با «حور العین» تزویج می کنیم، آنها در آنجا هر نوع میوههای را بخواهند در اختیارشان قرار می گیرد، و در نهایت امنیت به سر می برند، هرگز مرگی جز همان مرگ اول (که در دنیا چشیده اند) نخواهند چشید، و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می کند، این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، این همان رستگاری بزرگ است.
- «وَ اُزْلِفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِيْنَ» (شعراء: ۹۰)؛ (در آن روز)، بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می شود.
- «وَ اُزْلِفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِيْنَ غَيْرَ بَعِيْدٍ» (ق: ۲۱)؛ (در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصلهای از آنان ندارد.
- «مِثْلَ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُوْنَ فِيهَا اَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ اَسْنٍ وَّ اَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَّ اَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٌ لِّلشَّارِبِيْنَ وَّ اَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفٰى وَّلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَّمَعْقَرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ» (محمد: ۱۵).
- «اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِي ظِلَالٍ وَّ عُوْنٍ وَّفَوَاكِهٍ مِّمَّا يَشْتَهُوْنَ كُلُوْا وَّ اشْرَبُوْا هَنِيْئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ» (مرسلات: ۴۱-۴۳).

۷-۶. کسب مقام و رتبه متعالی

کسب رضایت الهی، بالاترین مقام و رتبه ای است که انسانها در بهشت به دست می آورند: «وَ رِضْوَانٌ مِّنَ اللهِ اَكْبَرُ». خداوند متعال می فرماید که این مقام فقط به متقین می رسد و تنها آنها هستند که جزء اولیاء الهی می باشند: «اِنَّ اَوْلِيَاوَهُ اِلَّا الْمُتَّقُوْنَ». فقط متقین با خداوند رحمان محشور می شوند: «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِيْنَ اِلَى الرَّحْمٰنِ وَّفِدًا». همچنین خداوند متعال می فرماید: «زَيْنٌ لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُوْنَ مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَّالَّذِيْنَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (بقره: ۲۱۲)؛ زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می کنند در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند (چرا که ارزشهای حقیقی در آنجا آشکار می گردد، و صورت عینی به خود می گیرد) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد. بر این اساس به خاطر تقوا، آنها بالاتر از کسانی قرار می گیرند که کافر بوده اند چه در محشر، چه در گردهمایی ها، چه در مسیر و چه در جایگاهشان آنها در بالاترین درجات مستقر می شوند.

در آیات دیگر نیز بر این مطلب تأکید شده:

- «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّالِحٰتِ كَالْمُفْسِدِيْنَ فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِيْنَ كَالْفَجَّارِ» (ص: ۲۸)؛ آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار می دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران.
- «اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعَدٍ صَدَقَ عِنْدَ مَلِيْكَ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: ۵۵)؛ یقیناً پرهیزگاران در باغها و نهرهای بهشتی جای دارند، در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر.
- «وَ قِيْلَ لِّلَّذِيْنَ اتَّقَوْا مَا ذَا اَنْزَلْنَا رُبُّكُمْ قَالُوْا خَيْرًا لِّلَّذِيْنَ اَحْسَنُوْا فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدٰٓءِ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِيْنَ»

۷-۷. پاک شدن گناهان و رذائل اخلاقی

تقوا موجب از بین رفت بدیها و رذائل اخلاقی انسان و بخشش لغزشها می شود. این مطلب در آیات متعددی بیان شده است:

- «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق: ۵)؛ این فرمان خداست که بر شما نازل کرده و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می بخشد و پاداش او را بزرگ می دارد.
- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (مائده: ۶۵)؛ و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می بخشیم و آنها را در باغهای پر نعمت بهشت، وارد می سازیم.
- «وَيُجِبِ اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (زمر: ۶۱)؛ و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می بخشد هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غمگین نخواهند شد.
- «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یونس: ۶۳)؛ آگاه باشید (دوستان و اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند. همانها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند.
- «هَذَا ذِكْرٌ وَإِن لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّآبٍ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَعَةٍ لَهُمُ الْآيَاتُ الْمُتَنَبِّئِينَ فِيهَا يُدْعَوْنَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثْرَابٌ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ»

۸. موانع کسب تقوا از منظر قرآن کریم

بخش دیگر از یافته های تحقیق مستخرج از جدول تحلیل محتوا، بیانگر موانع کسب تقوا در قرآن کریم است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت بشریت، برای ترسیم یک مسیر مشخص جهت نیل به سعادت در زندگی، فقط به توصیه اکتفا نکرده، بلکه تمامی مقدمات و موانع لازم را نیز بیان کرده است. به عبارت دیگر در قرآن کریم همه جوانب امر سنجیده شده و باید ها و نبایدهای مسیر به دقت معرفی شده است. موانع کسب تقوا از منظر قرآن کریم به شرح ذیل است:

- کفر و نادیده گرفتن خداوند (نساء: ۱۳۱)
- گناه (مائده: ۲ - انفال: ۲۵)
- دنیاگرایی (اعراف: ۱۶۹ - انفال: ۱ - آل عمران: ۱۳۰)
- غرور و تعصب (بقره: ۲۰۶)
- استفاده ابزاری از دین (بقره: ۲۲۴)
- مال حرام (بقره: ۲۷۸ - آل عمران: ۱۳۰)
- پذیرش سلطه کفار (آل عمران: ۲۸ - مائده: ۵۷)
- حسد و کینه (آل عمران: ۱۲۰)

۹. انواع و مراتب تقوا از منظر قرآن کریم

نتایج حاصل از تحلیل محتوای آیات متضمن کلید واژه تقوا نشان می دهد که گونه های مختلفی از تقوا در قرآن کریم مدنظر است که عبارتند از:

- تقوای اعتقادی: «ثُمَّ اتَّقُوا وَآمَنُوا»
- تقوای مالی: «وَلِيَتَّقِ اللَّهُ رِبَّهٗ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا»، «اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا»
- تقوای سیاسی: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ»، «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ»
- تقوای خانوادگی: «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ»
- تقوای اجتماعی: «وَأْتُوا النَّبِيَّاتِ مِنْ أَبْوَابِهِنَّ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، «فَلِيَتَّقُوا اللَّهَ وَيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»، «فَكُلُوا مِمَّا عَنَّا حَلالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ»، «طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا»، «ثُمَّ اتَّقُوا وَأَحْسِنُوا»، «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي صُنْفِي»
- تقوای عمومی در تمام کارها: «نَسَاؤُكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَأْتُوا حَرَّتْكُمْ أَنِّي سِتُّمْ وَقَدَّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»

اگرچه تقوا رئیس اخلاق شناخته شده است: «التَّقَى رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۰)، لیکن همان گونه که غالب فضایل اخلاقی سه درجه دارد: عام و خاص و اخص، تقوا نیز همین سه مرتبه را دارد: ۱- تقوای عام: پرهیز از محرمات؛ ۲- تقوای خاص: اجتناب از مشبهات؛ ۳- تقوای اخص: دوری از مباحات، در پرتو اشتغال به واجبات و مستحبات. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۵۵)

علامه مجلسی نیز در ذکر اقسام تقوا، علاوه بر سه مورد فوق، یک قسم دیگر نیز به نام «ورع سالکین» ذکر کرده است و مراد از آن، اعراض از غیر خدا، از ترس ضایع شدن عمر عزیز در کارهای بیهوده می باشد، هر چند منجر به حرام هم نشود. (دستغیب، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶)

پس تقوا نیز مانند فضایل اخلاقی دیگر دارای درجاتی است که نازلترین آن، در آیه ۱۳۱ سوره آل عمران، بیان شده است: «وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»؛ (آل عمران: ۱۳۱) و پرهیزید از آتش عذابی که برای کافران افروخته‌اند و درجات آن به حدی بالا می‌رود که همه کس تاب تحمل آن را ندارد و جز اولیاء الله نمی‌توانند به آن دست یابند. شهید مطهری می‌گوید: «تقوای دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه دین در زندگی معین کرده و خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود» (مطهری، بی تا، ص ۷) به عقیده شهید مطهری، ما دو نوع تقوا می‌توانیم داشته باشیم؛ تقوایی که ضعف است و تقوایی که قوت است. نوع اول این است که انسان برای این که خود را از آلودگی‌های معاصی حفظ کند، از موجبات آنها فرار می‌کند و خود را همیشه از محیط گناه دور نگه دارد. نوع دوم اینکه در روح خود حالت و قوتی بوجود آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی دهد که اگر فرضاً در محیطی قرار گیرد که وسایل و موجبات گناه فراهم باشد، آن حالت و ملکه روحی، او را حفظ کند. (مطهری، بی تا، ص ۱۴)

از این بیان، و بیانات امامان معصوم (علیهم‌السلام) می‌فهمیم که تقوا به معنای خود نگه داری، مراقبت، کنترل نفس و حاکمیت و تسلط بر نفس است، نه به معنای پرهیزکاری که عده‌ای از راحت طلبان منزوی، شعار خود قرار داده و تقوای اسلامی را که با ستیز و نبرد همراه است، به کنارگیری و پرهیز از جامعه و امت اسلامی توجیه و تأویل می‌کنند.

نتیجه گیری

در این تحقیق تلاش شد تا مهمترین مقوله ارزش بخش به انسانها در قرآن کریم، معرفی و جایگاه آن به عنوان یکی از مهمترین ارزشهای متعالی دین اسلام تبیین شود. خداوند متعال «تقوا» را مهمترین ارزش انسانی معرفی نموده و فرموده است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳). این آیه کلیدواژه ای است که به انسانها راهنمایی می‌کند برای کسب ارزش می‌بایست تقوا کسب کنند، ولیکن تقوا چیست؟ چه مراتب و انواعی دارد؟ موانع آن کدام است؟ مقدمات آن کدام است؟ متقین دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ و در نهایت تقوا چه کارکردهایی در زندگی دنیوی و اخروی انسانها دارد. برای پاسخگویی به پرسشهای فوق، در این مقاله از روش تحلیل محتوا با تکنیک تحلیل محتوای مضمونی استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خداوند متعال در قرآن کریم پس از آنکه به همه انسانها توصیه نموده است تا تقوا داشته باشند، این واژه را به صورت مصداقی در شخصیت انبیاء و اولیاء الهی معرفی نموده و ویژگی‌های متقین را به تفصیل بیان کرده است.

در مراحل بعدی خداوند متعال به معرفی کارکردهای دنیوی و اخروی تقوا پرداخته و در این بخش نیز به تفصیل کارکردهای مختلف تقوا در زندگی فردی و اجتماعی انسانها را نیز بیان نموده است. در بخش‌های بعدی خداوند متعال انواع و مراتب تقوا، مقدمات کسب تقوا و نیز موانع آن را نیز معرفی نموده است. این مطلب نشان می‌دهد قرآن کریم، واقعاً کتاب هدایت و نجات بشریت است چون برای معرفی مسیر هدایت، به تمامی ابعاد و زوایا توجه نموده و هر آنچه برای هدایت انسانها لازم بوده را بیان نموده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: علی عبد الباری، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۲۶ق)، لسان العرب، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. امین، سیده نصرت (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
۵. ایازی، سید محمد علی، (۱۳۸۰)، چهره پیوسته قرآن، تهران: هستی نما.
۶. باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۷. بی‌پرویش، مانفرد (۱۳۷۴)، زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: نشر آگاه.
۸. بیستونی، محمد، (۱۳۸۶)، لغت‌شناسی قرآن کریم، تهران: مؤسسه قرآنی تفسیر جوان.
۹. بیضاوی، عبدالله (۱۴۱۶ق)، انوار التنزیل، به کوشش عبدالقادر عرفات حسونه، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم.
۱۱. سیاح، احمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: انتشارات اسلام.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، انتشارات مرتضوی، تهران: چاپ سوم.
۱۴. طوسی، محمد (۱۳۸۷ق)، المبسوط، به کوشش محمد تقی کشفی، تهران: میزان حکمت
۱۵. عبد الوهاب، (۱۳۸۲ق)، شرح کلمات امیر المؤمنین (ع) به همراه شرح مائۀ کلمۀ ابن میثم، به کوشش جلال الدین محدث، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۶. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ق)، معجم الفروق اللغویه، قم: انتشارات اسلامی.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۵)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم.
۱۸. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. کرکی، علی (۱۴۰۸ق)، جامع المقاصد، به کوشش مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات توتیا، چاپ ششم.
۲۲. مترجمان، (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الأطهار، بیروت: دارالمعرفه.
۲۴. مدرسی، سید محمد تقی، (۱۳۸۶)، سوره‌های قرآن: درون‌مایه‌ها و محورها، محمد تقدمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. بیروت: دار المفید.
۲۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان، به کوشش اشتیاردی و عراقی و یزدی، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۵ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ دوازدهم.
۲۸. موسوی خمینی، روح‌الله، (بی‌تا)، ولایت فقیه و جهاد اکبر، تهران: الست فقیه.